

وَالْآفَاتِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاتَكَ يَا رَبِّ تَرِيدُهُمْ
 بِهَا فَضْلًا وَتَجْعَلُنَا لِإِسْتِغْفَارِهِمْ مَقَامًا أَهْلًا
 سحر اکثر حضور خویش
 فضل از تو زلفی دیگر نیست
 همه را با کلمه هفت هما
 سحر یوسف در مقام علی
 از معاصره کارهای بد
 سحر با یک ایچد اراده
 هم منزه از آفت نقصان
 سحر همین با کلمه کشته آ
 بر دست نام درود باستان
 صلواتیکه در ایما باشد
 به و اسم تو قایما باشد
 هم بیغیر از فضل پرستان
 بخی از بزرگ درود یا رحمان
 هم منزه از آن کنی مارا
 بدورد و جنس ملامکان
 کز تو سازند در صبح ما
 طلب مغفرت بجرم ما
اللهم وَصَلِّ عَلَىٰ جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَأَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ
 نَفَرَتْ صَلَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَأَوْدَعَهُمْ حِكْمَتَكَ
 وَطَوَّقَهُمْ نُبُوَّتَكَ وَأَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ كُتُبَكَ
 وَهَدَيْتَ بِهِمْ خَلْقَكَ وَتَعَوَّلُوا إِلَىٰ تَوْجِيدِكَ

یا اله فرست رحمت پرست
 که کتدی تو سینه بنشین
 همگی از جوار بر حکمت
 با صحنی طوق کردیم بنشین
 بر فرستادی از مطلق پرست
 خلق را راه تو کوک با این
 ما بخوانند بهر توجیهت
 بر بولک نبیای خویش
 بود دعوت که رشته بنشین
 بود یعنی شریعت برکت
 از نبوت که باز بود کردیم
 بر همه از کتا بهما خویش
 بسبب انموثر ما با این
 که خلق را بتا بیدت
 وَتَسْتَجِبْ لِي إِلَىٰ وَعْدِكَ وَخَوِّفْ أَيْمَانَ وَعْدِكَ وَ
 آدِنَكَ وَاللَّيْلَ تَسْبِيحًا وَقَامُوا بِحُجَّتِكَ وَدَلِيلِكَ وَسَلِّ
 دل مردم بسوق آورند
 نیز در خوف از وعده تو
 همه را بامهت رسانند
 ز فرار و همت عیب کردند
 بعضی ضعیف از دلیر تا برهانند
 کفنه آنها درود بر این
 صَلِّ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَتَسْبِيحًا يَا سَلَامُ عَلَيَّمْ لَمْ أُعْطِيَا

یا الهی